



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۲۳۴

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com) چهارشنبه ها منتشر میشود ۲۱ دسامبر ۲۰۱۱ - ۳۰ آذر ۱۳۹۰

## شلیک به صف کارگران اعتصابی نفت قزاقستان دهها کارگر کشته و زخمی شدند



ستون اول،

آذر ماجدی

## سالگرد خیزش عمومی در خاورمیانه و شمال آفریقا

## سوسیالیسم تنها پاسخ است!

یکسال از اولین جرقه های خیزش توده ای برای آزادی، برابری و رفاه در خاورمیانه و آفریقای شمالی می گذرد. این خیزش عظیم چهره جهان را تغییر داد. منطقه ای که همواره در استبداد مطلقه اسیر بوده و چندین دهه است که در کام یک بحران، تنش و جنگ دست و پا می زند، بیکیاره علیه خفقان و سرکوب، فقر و تبعیض و بی عدالتی بپا خاست. جنبش اعتراضی از تونس آغاز شد و سریعاً کل منطقه را در بر گرفت. ظرف یکسال گذشته ۴ دیکتاتور کثیف و جنایتکار از اریکه قدرت سرنگون شدند. همتاهایشان که هنوز حاکم اند، خواب آرام از چشمانشان ربوده شده است. اجلاس بعد از اجلاس برگزار می کنند، با روسای تروریسم دولتی جلسات اضطراری می گیرند تا شاید موفق شوند، سقوط خویش را مانع گردند. سوریه در آتش اعتراض می سوزد؛ رژیم جلااد بشار اسد بی محابا مردم را به خاک و خون می کشد؛ پادشاه کپک زده مراکش در هراس خشم مردم دست به «اصلاحات» حکومتی می زند؛ خاندان فسیل شده حاکم در عربستان سعودی و کویت می کوشند با رشوه دادن به بخشی از مردم از سرایت آتشفشان آزادیخواهانه مردم منطقه به محیط تحت حاکمیت خود ممانعت بعمل آورند. این زلزله انقلابی در مرزهای منطقه محصور ناماند. در کشورهای غربی، مردم محروم و زحمتکش با الهام از مردم بپا خاسته خاورمیانه در میدانی شهرهای خود تجمع کردند. «التحریر» به سمبل آزادیخواهی و برابری طلبی بدل شده است. در مادرید و نیویورک، در آتن و رم،

صفحه ۲



## تشدید تخاصم دو قطب تروریستی

نگاهی به مواضع حزب اکس "کمونیست کارگری"

صفحه ۵

علی جوادی

## انفجار کارخانه فولاد غدیر یزد

آمار قربانیان به ۱۸ نفر رسید!



## حذف سو بسیدها:

یک سال پس از صدور فرمان تهاجم!

صفحه ۸

پدرام نواندیش



## چاقو دسته خودش را نمی برد!

نگاهی به مقاله هلمت احمدیان

صفحه ۱۰

حسن معارفی پور

## اطلاعیه در باره بحران "حزب حکمتیست!"

دهمین سالگرد

درگذشت منصور

حکمت فرا می رسد!

آذر ماجدی

در صفحات دیگر:

کارگران شرکت ساز آب اندیش، کارگران صنایع غذایی فیروز کوه، کارگران شرکت مشاورین شهر یاد، کارگران نورد و پروفیل ساده، گزارشی از هلند، و ستون آخر.

## سالگرد خیزش عمومی در خاورمیانه و شمال آفریقا

### سوسیالیسم تنها پاسخ است...

خیابان ها می آیند؛ در ایران، علیرغم حاکمیت ناسیونالیسم راسیستی ضد عرب، مردم به خیابان می آیند و فریاد می زنند: «مبارک، بن علی، نوبت سید علی است.»

چشمان بر خاورمیانه و شمال آفریقا خیره مانده است. سرنوشت این تحرک عظیم توده ای به کجا می انجامد؟ این سوال بزرگی است که بر اذهان سنگینی می کند. علیرغم سقوط ۴ دیکتاتور قدیمی و جنایتکار، شرایط واقعی مردم تغییر زیادی نکرده است. هنوز فقر بیداد می کند؛ هنوز اعتصاب کارگران با گلوله پاسخ می گیرد؛ هنوز دستان مردم از قدرت کوتاه است. تروریسم دولتی تلاش بسیاری در حمایت بورژوازی بومی بکار بسته است تا نظام حاکم با کمترین تغییر محفوظ بماند؛ به مانیپولاسیون سیاسی - ایدئولوژیک متوسل شده است و حتی دست به دخالت نظامی زده است تا توده های معترض را به رضایت دادن وادار کند. اما جنبش توده ای آزادیخواهانه مردم هنوز ادامه دارد. برای بار چندم مردم در میدان التحریر گرد آمدند. تلاش برای سرنگونی دولت نظامی هدف این تجمعات است. اما ارتش دست ساز آمریکا با وقاحت بسیار به قدرت چنگ انداخته است و مردم را گلوله باران می کند. در تونس مردم دست به اعتراض می زنند. در لیبی اعتراضات علیه حکومت ناتویی، متشکل از عناصر رژیم سابق، عشایر و اسلامپست ها، نضج می گیرد.

باعث امیدواری است که مردم مصر، تونس و لیبی پس از سرنگونی دیکتاتورها کاملاً به خانه بازنگشتند و هنوز بر خواست هایشان پای می فشارند. چرا که در واقعیت امر رژیم تغییر نکرده است. سرکوب ادامه دارد. فقر و بیکاری و تبعیض ابعادش گسترده تر شده است. اکنون

پهنه جهان را فرا گرفت، توده های کارگر و محروم و زحمتکش بمیدان آمدند و تمام این دستگاه خشونت و کشتار را به مصاف طلبیدند. خاورمیانه و شمال آفریقا در این میان بهت و حیرت و تحسین منکوب شدگان و هراس دزدان آدمکش حاکم بر جهان را برانگیخت. جالب اینجاست که اولین جرقه های شورش از «باتیبات ترین» کشور جهان آغاز شد. از زمانی که تونس را بعنوان بهشت سرمایه داران نامیدند تا روزی که جوان زحمتکش دستفروش خود را در اعتراض به بی عدالتی و فقر به آتش کشید، یک سال بیشتر فاصله نبود. خودسوزی ای که به کبریتی برای به آتش کشیدن منطقه بدل شد. از اولین روز اعتراض توده ای در تونس در حمایت و همدردی با این جوان مستاصل تا سرنگونی بن عزیز یک ماه طول نکشید و فقط چندماه پس از آن بود که مبارک از قدرت به زیر کشیده شد و چند ماه پس از آن خانواده جنایتکار قذافی آواره شد و خود قذافی به قتل رسید. پس از آن محمد صالح که بیش از سی سال بر یمن حکم رانده بود به تبعید فرستاده شد.

یک واقعه بسیار هیجان انگیز در این میان پیوستن مردم کارگر و زحمتکش اسرائیل به سیل اعتراضات توده ای منطقه علیه فقر و بی خانمانی، سرکوب و تبعیض بود. هیچگاه در تاریخ مدرن ما شاهد چنین گستردگی در اعتراضات توده ای، چنین همبستگی بین المللی و چنین به حاشیه رانده شدن مرزهای ملی، زبانی و مذهبی نبوده ایم. در مادرید و نیویورک مردم معترض خود را جنبش التحریر می نامند؛ در اسرائیل مردم بی خانمان در همبستگی با جنبش التحریر به

قطب تروریستی تنها یک نمونه از دستاوردهای نظم نوین است. کشتار کور مردم افغانستان، حملات وحشیانه دولت اسرائیل به لبنان و نوار غزه، تبدیل آفریقا به محل تاخت و تاز اربابان جنگ که جنایت و تجاوز را به یک امر روزمره جامعه بدل کرده اند و کودکان ۱۲-۱۰ ساله را به عامل جنایت و تجاوز، نمونه های تراژیک و دردناک دیگر این عصر خونین است. در بلوک شرق سابق، دستگاه فاسد صنعت مذهب بر سرنوشت مردم حاکم شد و دستگاه فاسد پلیس سیاسی سابق به مافیای جدید سرمایه بدل شد. در قلب اروپا یک جنگ خانمان برانداز قومی براه افتاد که ابعادی جدید از پاکسازی قومی را به نمایش گذاشت. در کشورهای مهد دموکراسی پارلمانی، بتدریج و بویژه در پی آغاز جنگ تروریست ها، حقوق فردی و مدنی بسیار محدود شد. حقوق کارگری با حملات پیاپی بورژوازی تقریباً محو شد. حکومت های رفاه در اثر حملات بورژوازی نیمه جان در حال مرگ اند. فساد حکومتی آنچنان ابعاد گسترده ای یافته است که رسانه های چکمه لیس حکومتی نیز مجبور به گزارش آن شده اند.

دو دهه حاکمیت بی محابای سرمایه و بازار، تروریسم دولتی و اسلامی بر جهان آنچنان کارنامه ای از جنایت و کشتار تلمبار کره است که در تاریخ بی سابقه است. اما با آغاز اولین طلیعه های بحران ادواری سرمایه که این بار با شدت و گسترش بی سابقه ای

در لندن و لس آنجلس مردم خود را پیروان جنبش التحریر می نامند. هیچکس حتی در خواب این شرایط را متصور نبود.

احدی بخواب نمی دید که ظرف مدتی کوتاه توده های منکوب و سرکوب شده منطقه این چنین پایه های حکومت سرمایه و جبهه جنگ دو قطب تروریسم دولتی و اسلامی را به لرزه درآورند. رویدادهای یکسال اخیر یکبار دیگر باور به قدرت بالقوه توده های کارگر، محروم و زحمتکش را زنده کرد. گویی آثار مارکس از کتابخانه ها به میادین آمده و تحلیل های طبقاتی کلاسیک از درون صفحات خاک خورده آن جان گرفته و به درون جامعه به حرکت آمده اند. از فریادهای شعف بورژوازی در «پایان مبارزه طبقاتی» و «مرگ کمونیسم» بیست سال بیشتر نمی گذرد. زمانی که فاتحین جنایتکار جنگ سرد، در پی پیروزی بر قطبی دیگر از سرمایه داری، سرمایه داری دولتی، با شادی و هیاهو مرگ سوسیالیسم را اعلام کردند و بدنبال آن، مردم جهان بعینه دیدند که چگونه «مرگ سوسیالیسم» بمعنای مرگ هر نوع رفاه و آزادی و هر نوع عدالت حتی از نوع بورژوازی آن است. بورژوازی غرب آغاز نظم نوین جهانی را اعلام کرد و با سوت آغاز این عصر، حملات ویرانگر تروریسم دولتی به جهان، و به هر نوع نرم انسانیت و مدنیت انسانی آغاز شد.

کشتار مردم عراق و تبدیل این کشور به یک گورستان بزرگ، به باتلاق کشمکش قبیله ای و مذهبی، به مکان نشو و نمای اسلامپسم و به جبهه ای خونین از نبرد دو

## اطلاعیه در باره بحران "حزب حکمتیست"!

بحران سیاسی «حزب حکمتیست» که از مدتی پیش علنی شده بود، با تعرض کودتاگرایانه محفل کورش مدرسی وارد فازی جدید و ناهنجار شده است. اکنون آینده این حزب نامعلوم است.

اقلیت دفتر سیاسی این حزب به دنبال تصویب سند "پلاتفرم سیاسی- عملی هیات دائم" توسط اکثریت دفتر سیاسی در اجلاس رسمی این ارگان، طی بیانیه ای اعلام کرده است که از رهبری سیاسی - اجرایی حزب "خلع ید" کرده و به اعضاء و کادرهای حزب اعلام نموده است که: "تمام تصمیمات و ابلاغیه های دفتر سیاسی یا هیات دائم به ریاست رفیق رحمان حسین زاده از این تاریخ غیر قانونی است و به هیچ عنوان لازم الاجرا نیست." و از این پس "رهبری" حزب را این جمع در دست خواهد داشت. سپس، بلافاصله "کمیته سازمانده" و تعدادی دیگر از ارگان های این حزب "وفاداری" خود به این محفل را اعلام کردند. کورش مدرسی، رهبر در سایه این حزب، نیز تلاش کرده است که این اقدام را توجیه کند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری این نوع اقدامهای کودتاگرانه تشکیلاتی را قویا تقبیح میکند. چنین اقداماتی درون سازمان های سنتی چپ، اقدامی مرسوم است و هیچ ربطی به کمونیسم و بویژه کمونیسم کارگری منصور حکمت ندارد. علیرغم بربطی این خط به مارکسیسم و کمونیسم کارگری، چنین اقداماتی در تحلیل نهایی بضرر جنبش کمونیستی می انجامد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری توجیهات اعلام شده توسط این محفل را تحت این عنوان که رهبری رسمی حزب قصد ایجاد "تغییر ریل" در سیاستهای این حزب را داشته و نتیجتا این محفل از سر "ناچاری" دست به کودتای حزبی زده است، یک توجیه کودنانه و از سر استیصال سیاسی ارزیابی میکند. این یک واقعیت عیان است که از زمانی که سیاستهای محفل مزبور در رهبری مورد نقد قرار گرفت و اکثریت رهبری این حزب کوشید حزب را از سیاستهای راست و پاسیفیستی این محفل دور کند، ما شاهد بالا گرفتن تنش در این حزب بوده ایم. و اکنون نیز می بینیم که با بروز کوچکترین تلاش برای تغییر عملی این سیاستها، محفل مزبور که خود را سالوسانه پایبند به مقررات و انضباط حزبی می خواند، دست به یک "کودتای حزبی" زده است و تلاشی همه جانبه برای در اختیار گرفتن کلیه ارگانهای حزبی را در دستور خود قرار داده است. ظاهرسازیها و پرونده سازی های این جریان نمیتواند ماهیت کریه شیخون و اقدام کودتاگرایانه آنرا بپوشاند. بی پرسنپی سیاسی و تشکیلاتی این محفل را باید عمیقا افشاء و طرد کرد.

از نظر ما شرط پیشروی گرایش مقابل که امروز اعلام می کند دیدگاه کورش مدرسی و جناح اش دیدگاهی راست و غیر کمونیستی است و مدعی است که در نقد این گرایش راست از کمونیسم منصور حکمت دفاع می کند، نه مانور در چهارچوب یک بحث و پلاتفرم، بلکه نقد تمامی بنیادهائی است که این حزب روی آن بنا شده و اساسا کورش مدرسی تدوین کننده آن بوده است. دفاع از کمونیسم منصور حکمت بدون نقد مارکسیستی کل این دیدگاه راست عملی نیست.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۵ دسامبر ۲۰۱۱

**زنده باد جنبش مجامع عمومی!**

**زنده باد شوراهای کارگری!**

**کارگران! در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید!**  
**مجمع عمومی تجمع طبیعی و ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر**  
**توده کارگران است!**

## سالگرد خیزش عمومی در خاورمیانه و شمال آفریقا ...

نیروهای آزادیخواه، کمونیست، سوسیالیست و جنبش آزادی زن نگران قدرتگیری اسلامیست ها در این کشورها هستند. این نیز یکی دیگر از تدابیر تروریسم دولتی برای عقب راندن توده های مردم است. با ریاکاری خاص خودشان این اسلامیست ها را از نوع معتدل می نامند تا مردم به آنها رضایت دهند. روشن بود که در غیبت یک سازماندهی متشکل و آگاه توده ای و وجود یک حزب کمونیست کارگری که مردم را بسمت یک انقلاب کارگری رهبری کند، سهمیم شدن اسلامیست ها در قدرت تنها تغییر در شرایط خواهد بود.

سازماندهی توده ای مردم در ظرف شوراهایی که بر مجامع عمومی متکی است تنها راه تضمین تداوم مبارزات مردم و تسلیم نشدنشان به این دسیسه ها و توطئه های برنامه ریزی شده است. در عین حال جنبش کمونیسم کارگری باید بکوشد که خود را متشکل کند و مبارزات مردم را تحت رهبری خود بگیرد. مردم تنها در صورت واژگونی سرمایه داری و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی شورایی قادر خواهند بود که به خواسته های واقعی و پایه ای خود، یعنی آزادی، برابری و رفاه همگان دست یابند. \*

### منتشر شد:

از سایت حزب داون لود کنید

### در نقد سندیکالیسم

مجموعه ای از اسناد حزبی، مقالات جدلی و مباحث انتقادی، عملی و سبک کاری در جنبش کارگری



از انتشارات حزب اتحاد کمونیسم کارگری

اکتبر ۲۰۱۱

## انفجار کارخانه فولاد غدیر یزد

**آمار قربانیان به ۱۸ نفر رسید!**

در اطلاعیه قبل اشاره کردیم که روز یکشنبه در کارخانه فولاد غدیر یزد و کوره ذوب انفجاری مهیب در پایان شیفت کاری صورت گرفت که در اثر آن ۵ کارگر بلافاصله جان باختند و ۱۴ کارگر دیگر دچار سوختگی شدید صد در صد شدند که حال آنها وخیم است.

متأسفانه در فاصله دو روز ۱۳ نفر دیگر از کارگران در بیمارستان جان سپردند و تعداد قربانیان این فاجعه به ۱۸ نفر رسید. اسامی کارگرانی که در محیط کار به قتل رسیدند به شرح زیر است: ۱- عدنان عزیزی ۲- عبدالحمید صادقی ۳- مصیبت کریمی راد ۴- مراد خالقیور ۵- ایرج مهاجری ۶- ولی محمدی ۷- رحم الدین نورزهی ۸- خدارحم اولیازهی ۹- محمد ایزدی ۱۰- هاشم عابدینی ۱۱- رضا خالقیور فرزند علیداد ۱۲- رضا خالقیور فرزند چراغ ۱۳- پویا عزیزی ۱۴- جاسبیر سینگ ۱۵- بهروز علی چشم بر زمین ۱۶- سید مسعود هاشمی ۱۷- جلیل مکارم ۱۸- احسان صالحی نژاد.

قاتلین را کارگران میشناسند. قاتلین سرمایه داران و دولت حامی شان است که راست راست در پناه قانون بردگی مزدی راه میروند و در چهارگوشه ایران از ایران خودرو و فولاد تا پتروشیمی ها و صنایع نفت و گاز هر روز از کارگران قربانی میگیرند.

حزب مجدداً به خانواده های کارگران جانباخته، کارگران فولاد و مردم زحمتکش یزد و طبقه کارگر ایران صمیمانه تسلیت میگوید. حزب از کارگران فولاد و مراکز صنعتی میخواهد این واقعه را به یک همبستگی عمیق طبقاتی تبدیل کنند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۳ دسامبر ۲۰۱۱ - ۲۲ آذر ۱۳۹۰

## انقلاب کمونیستی

محور اساسی انقلاب کمونیستی، لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. انقلاب کمونیستی به تقسیم طبقاتی جامعه خاتمه میدهد و نظام مزد بگیری را از میان برمیآورد. بازار، مبادله کالایی و پول حذف میشوند. بجای تولید برای سود، تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هرچه بیشتر همه انسان ها میشوند. کار، که در جامعه سرمایه داری برای اکثریت عظیم مردم تکاپویی ناگزیر و چشم بسته و فرسوده کننده برای امرار معاش است، جای خود را به فعالیت خلاق و داوطلبانه و آگاهانه مردم برای هرچه غنی تر کردن زندگی انسانی میدهد. هرکس، به اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به جامعه انسانی، به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار خواهد بود. از هرکس به اندازه قابلیتش و به هرکس به اندازه نیازش، این یک اصل اساسی جامعه کمونیستی است.

## شلیک به صف کارگران اعتصابی نفت قزاقستان

**دهها کارگر کشته و زخمی شدند**



دیروز جمعه ۱۶ سپتامبر، که مصادف بود با بیستمین سالروز جشن و مراسم استقلال قزاقستان از شوروی سابق، پلیس این کشور به صف کارگران اعتصابی نفت که قصد داشتند در میدان مرکزی شهر اجتماع و تظاهرات کنند شلیک کرد. بنا به خبر رسانه ها بر اثر حمله وحشیانه پلیس ۱۰ کارگر کشته و تعدادی زخمی شده اند. دیروز جمعه فعالین چپ قزاقستان در اروپا از رقم ۴۰ کشته و زخمی خبر دادند. حمله به صف کارگران اعتصابی با مقاومت روبرو شد و بدنبال آن مردم زحمتکش همراه با کارگران علیه پلیس و نیروهای دولتی به مقابله برخاستند و به برخی از نهادهای دولتی حمله و پاترولهای پلیس را آتش زدند.

کارگران شهر نفتی زاناوزن قزاقستان بیش از شش ماه است در کشمکش برسر افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار هستند اما مرتباً با سرکوب دولت ارتجاعی قزاقستان روبرو شده اند. تعدادی از رهبران و فعالین کارگری طی این مدت دستگیر و با جرائمی مانند "اغتشاش علیه امنیت ملی" و ترهاتی از این دست به زندان محکوم شده اند. همینطور یکی از وکلای کارگران به شش سال زندان محکوم شده است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری تهاجم وحشیانه پلیس و دولت ارتجاعی و ضد کارگری قزاقستان را به صف کارگران اعتصابی نفت قویاً محکوم میکند. طبقه کارگر ایران و جهان قلب شان با کارگران اعتصابی و نفرت شان علیه بورژواها و دولت‌هایشان است که همه جای دنیا علیه خواستهای برحق کارگران زبانی جز سرکوب و پرونده سازی و زندان و جنایت ندارند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۷ دسامبر ۲۰۱۱ - ۲۶ آذر ۱۳۹۰

**مرگ بر سرمایه داری!**



## تشدید تخاصم دو قطب تروریستی

نگاهی به مواضع حزب اکس "کمونیست کارگری"

علی جوادی

خجولانه این سمت گیری در شرایط حاضر است.

### جدال دو قطب تروریستی یا...؟

یک رکن استراتژیک سیاست تمام نیروهایی که در دفاع از هر کدام از دو قطب تروریستی، حال با هر خط فاصلی، قرار میگیرند تبدیل این تخاصم دو سویه بعنوان کشمکش ارتجاعی، تروریستی و قلدرمنشانه از جانب یکی از نیروهای این دو قطب است. تقلیل این جنگ تروریستی به "مقابله با حمله نظامی نیروهای امپریالیستی" و یا "مقابله با تهدیدهای تروریستی و اتمی رژیم اسلامی" آن چهارچوبی است که در این مواضع راست و ارتجاعی خود "مشروعیت" سیاسی ببخشند. بطور مثال ویژگی سیاستهای حمید تقوایی بطور بارزی بیان این است که این جدال تروریستی دو طرفه را به تهدیدها و تحرکات یک قطب، تروریسم اسلامی، محدود میکند. در مصاحبه با نشریه "انترناسیونال" که دیگر سیاست انترناسیونالیستی در آن کیمیا شده است، ما شاهد آن هستیم که نه تنها کوچکترین اشاره ای به این تخاصم تروریستی دو جانبه نمیشود، بلکه بطور خجولانه سیاستی را بیان میکند که گویا اصلا قطب تروریستی دولتی وجود ندارد، جایگاهی ندارد و یک رکن این جدال خونین نیست. صاحب بزرگترین نیروی آدمکشی و میلیتاریستی جهان معاصر نیست. نیرویی نیست که به تنهایی میتواند کره زمین را چند بار نابود کند.

این تلاش برای تغییر تبیین از تخاصم دو قطب تروریستی یک ضرورت حیاتی توجیه سیاست همسویی با قطب تروریستی دولتی

این تخاصم و جدال تأثیر بسیاری در موقعیت نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی داشته است. بازهای دو جنبش ناسیونالیسم پرو غربی و جنبش ملی - اسلامی با خط فاصلی کوتاه خود را در این دو کمپ قرار داده اند. یکی پیشروی خود را در تشدید تخاصم، تشدید تحریم اقتصادی و حمله نظامی می بیند. دیگری کمربندهای خود را در مقابله با "حمله نظامی" و "دفاع از دولت خودی" سفت کرده است. در عین حال نیروهای متعدد این دو اردو با خطوط تمایز ناچیزی در این راستا به خط شده اند. در جنگ ارتجاعی ایران و عراق هم شاهد شکل گیری چنین صفتندی بودیم. این طبیعت و خصلت پایه ای این نیروها است.

اما این جدالها در عین حال همواره قربانیان جدیدی داشته است. نیروهایی که بنا به دلایل و ویژگی های خاص موقعیت اجتماعی و سیاسی خود قربانی این کشمکش خونین و تروریستی شده اند. در این یادداشت نگاهی کوتاه به مواضع اخیر حزب "اکس مسلم"، حزب سابقا "کمونیست کارگری" می اندازیم. آنچه امروز در مواضع این حزب مشاهده میکنیم، گوشه هایی از قرار گرفتن در چنین جایگاه و موقعیتی است. مسبب چنین وضعیتی اساسا سیاستهای دست راستی حمید تقوایی در این حزب است. مصاحبه اخیر ایشان با نشریه "انترناسیونال" در زمینه "حمله به سفارت انگلیس و پیامدهای آن" بیان

موضعگیری در قبال تحریمهای اقتصادی و تقابل نظامی و کلا جدال دو قطب تروریستی جهان معاصر به یک شاخص تشخیص جایگاه واقعی نیروهای سیاسی اپوزیسیون در تحولات حاضر بدل شده است. دو اردو در این تخاصم تروریستی قرار دارد: در یک سو جنبش اسلام سیاسی و ستون فقراتش، رژیم آدمکشان اسلامی و در سوی دیگر تروریسم دولتی آمریکا، اسرائیل و متحدین اش در ناتو قرار دارند. هر دو نیرو تاریخ سیاهی در آدمکشی و تروریسم دارند. خاکستر و نابود کردن چند صد هزار انسان بیگناه در یک چشم بهم زدن، تخریب شیرازه های جامعه، نابودی مدنیت، اعدام بیش از صد هزار انسان آزادبخواه و برابری طلب، سازمان دادن بزرگترین ماشین کشتار جزیی از کارنامه این دو نیروی تروریستی است. این جنگی است که کلید آن در فاجعه خونین ۱۱ سپتامبر زده شد. از آن زمان تاکنون ما شاهد جدالهای گسترده نیروهای این دو قطب تروریستی در عرصه های متفاوت بوده ایم. نیروهای متعدد این دو کمپ در جنگها و جدالهای گوناگون به روی یکدیگر آتش گشوده اند. جنگ اسرائیل و حزب الله، جنگ اسرائیل و حماس، جنگ نیروهای تروریستی در افغانستان و عراق تماما جنگهای نیروهای این دو جبهه تروریستی هستند.

اکنون این جدال تشدید شده است و طرفین اصلی این دو قطب مرتب به تهدید و توطئه چینی علیه یکدیگر مشغولند. ابرهای سیاهی بر فراز جامعه به پرواز در آمده اند.

است. اگر بازها در صف و اردوی ناسیونالیسم محافظه کار پرو غربی آشکارا سیاستها و راه پیشروی خود را به دفاع از جنگ و حمله نظامی و بمب افکنها و موشکهای کروزر گره میزنند، نیروهای تازه به میدان آمده این صف، باید تلاش بیشتری بخرج دهند. باید ابتدا تبیینی را ارائه دهند که ماهیت این تخاصم را بگونه ای جلوه دهد که موضعگیری کنونی شان را توجیه کند. تبیینی که در آن از قرار همگان، از نیروها و دولتهای تروریسم دولتی تا این جریانهای گوی، با تفاوتی اندکی در مقابل "تهدید" تروریسم اسلامی بسیج شده اند. این سیاست مبنای توجیه همسویی این جریان با تعرضات اردوی تروریسم دولتی است.

این جریان چشم خود را در جنگ اسرائیل و حزب الله و تمام جنایات جنگی دولت اسرائیل بست. جنگ و به خون کشیده شدن کودکان و سالمندان و کلیه افراد غیر نظامی در این جنگ، این نیرو را وادار به واکنشی نکرد. طبیعی هم بود. پیش از آن در قطعنامه ای در قبال مساله فلسطین اعلام کرده بودند که حل مساله فلسطین در درجه اول به تسویه حساب با اسلام سیاسی گره خورده است. گویا حمله و کوبیدن شهروندان غزه به بهانه مقابله با ارتجاع حماس راه پیشروی سیاستهای مورد نظر این جریان را در حل مساله فلسطین هموار میکرد! در همان زمان در گرمناگرم جنگ در مقابله با انتقادات و

# تشدید تخاصم دو قطب تروریستی

نگاهی به مواضع حزب اکس "کمونیست کارگری" ...

علی جوادی

نشوند. ایشان میگویند که: " این را هم اضافه کنم که در شرایط ویژه ای که جنبش انقلابی بالفعلی علیه حکومتی در جریان است - مانند جنبش توده ای علیه نظام آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی - تحریم اقتصادی میتواند در خدمت انقلاب و مردم عمل کند اما در مقطع حاضر جامعه ایران در چنین شرایطی نیست."

این سیاست آب پاکی را بر تمام انتقادات نیم بند این جریان به تحریم اقتصادی "در سطح وسیع" می پاشد. تحریم اقتصادی در شرایط ویژه ای میتواند "در خدمت انقلاب و مردم عمل کند". و این توجیه "چپ" در دفاع از سیاستی است که به درست سیاست گذاران دسته جمعی نام گذاری شده است. در نقد این سیاست باید گفت اگر انفجار بمب اتم میتواند در "خدمت انقلاب و مردم عمل کند"، سیاست تحریم اقتصادی هم میتواند "در خدمت انقلاب و مردم عمل کند". تمام تجربیات تاریخ تاکنونی نشان داده است که حتی اگر زمانی در آفریقای جنوبی نیروهای ضد آپارتاید نژادی خواهان تحریم اقتصادی دولت نژادپرست آفریقای جنوبی بودند، واقعیت عملی اجرای این سیاست در عراق و پس از آن نشان داده است که این چه سیاست مخرب و ضد انسانی است. تحریم اقتصادی "انقلابی" مانند "اسلام آزادیخواه" یک عوامفریبی کودنانه است.

در پایان

سیاستهای حزب اکس "کمونیست کارگری" در قبال جنگ تروریستها و تحریم اقتصادی کوچکترین ربطی به سیاستهای شناخته شده کمونیسم کارگری در قبال این اقدامات ندارد. کاملاً در تناقض با آن و در مقابل آن است. این گوشه ای از بیان موقعیت راست و غیر کمونیستی این حزب است. همانطور که سیاستهای کورش مدرسی کوچکترین

با اردوی تروریسم دولتی است. این جریان بر خلاف بازهای صف ناسیونالیسم پرو غربی پرچم تشدید تحریم های اقتصادی را آشکارا در این شرایط در دست نگرفته است. اما در عین حال نیز مخالفت آشکار و نقدی هم به همین "سطح" از تحریمهای اقتصادی اعمال شده ندارد. هیچگاه در دورانی که این تحریمهای اقتصادی حلقه به حلقه تشدیدتر شده است، بطوریکه حتی در شرایطی که خود جنایتکاران اسلامی نیز وادار به قبول تاثیر این تحریمها بر زندگی مردم شده اند، این جریان در قبال اعمال این سیاستها موضعگیری نکرده است. همواره سیاست "سکوت" را دنبال کرده اند. ویژگی ریاکارانه سیاستشان این است که اعلام میکنند بر علیه تشدید تحریمها هستند، اما هیچگاه اعلام نمیکند که بر علیه "همین سطح" از تحریمها هستند. از قرار راه فرار از این مخصمه را اینطور فهمیده اند که خود را به نفهمی سیاسی بزنند و هر زمان که ناچار به موضعگیری میشوند، بر علیه تشدید تحریم های اقتصادی احتمالی در فردایی نامعلوم حرف بزنند. آنهم با این استدلال که تحریم اقتصادی باعث تحکیم قدرت رژیم اسلامی میشود. از قرار اگر به این جریان راست اثبات شود که تحریمها آنطور که مدافعین و عاملین اش مدعی اند، منجر به تضعیف رژیم اسلامی شود به احتمالی سر همین انتقاد آبکی را هم بزیر آب خواهند کرد.

چرا که لیدر این حزب در عین حال جا را باز گذاشته است که اگر ناچار شدند از سیاست تحریم اقتصادی پشتیبانی کنند و یا خواستند فراخوان اجرای آن را به دولتهای غربی و امپریالیستی بدهند، دچار مشکلی

این دولتها این است که از قرار خواهان "رام کردن" رژیم اسلامی و نه "تغییر" آن هستند. جای تاسف بسیار است. تاسف به این خاطر که این جریان کماکان تشکیلاتی را در خدمت این اهداف و سیاستهای راست قرار داده است که در اساس برای امر دیگری، امر انقلاب کارگری و سرنگونی رژیم اسلامی و مقابله با قدری و زورگویی امپریالیستی و در هم شکستن این سیاستها شکل گرفته بود.

## تحریم اقتصادی بد، تحریم اقتصادی خوب؟

تحریم اقتصادی اکنون به یک اهرم و ابزار تروریستی در تقابل نیروهای متخاصم تبدیل شده است. به بهانه اعمال محدودیت بر نیروی مقابل، نان و آذوقه و داروی مردم بیگناه را گروگان میگیرند. به بهانه تضعیف قدرت اقتصادی نیروی مقابل مردم را به گرسنگی و فقر بیشتر میکشانند. تجربیات تاکنونی نشان داده است که تحریم اقتصادی، مستقل از تاثیر آن بر ثبات و بی ثباتی رژیم اسلامی یا هر رژیم ارتجاعی و تروریست دیگری، بدون کوچکترین تردیدی یک سلاح کشتار دسته جمعی است. قربانیان اولیه آن عادی ترین مردم عادی اند. کمونیسم کارگری این سیاست را تماماً ارتجاعی و ضد انسانی میداند و تماماً بر علیه آن است.

اما سیاستهای حزب اکس مسلم در این زمینه هم بیان جایگاه راست و همسویی خجولانه آنها

اعتراضاتی که حتی در صفوف خودشان در قبال این موضعگیری راست برانگیخته شده بود، لیدرشان فریاد میزد که چه شده است: "اومانیسم تان" گل کرده است؟

این سیاستها در حقیقت نشاندهنده محتوای واقعی خطی بود که پرچم "انقلاب کارگری" و "حکومت کارگری" را به زمین انداخته بود و به جای آن پرچم "انقلاب انسانی" و "حکومت انسانی" را در دست گرفته بود. البته از پیش روشن بود که این "انسانگرایی" محمل زمینی یک چرخش به راست واقعی در استراتژی و سیاست است. نشان انسانگرایی مفرط این جریان نیست. برعکس نشان دوری این جریان از کارگر و کمونیسم و انسانگرایی است. این جریان در زمانیکه که احتمال حمله نظامی و جنگ تشدید شده بود، از جانب اصغر کریمی اعلام کرد که جنگ تماماً "مصائب" نیست. دارای "برکاتی" هم هست. و حتی کار را به اینجا رساندند که گویا بلشویکها پیروزی خود را بر ارتجاع و بورژوازی روسیه مدیون وجود جنگ جهانی بودند. و نه سیاست بلشویکها علیه جنگ بود که زمینه های رشد و قدرتی صاف کارگر و کمونیسم را در روسیه فراهم کرد؟!!

روشن است: جایگاه کنونی حزب اکس مسلم، مقابله با دو سوی تروریسم جهانی نیست. همسویی با یک سوی این تقابل تروریستی است. حتی انتقاد ضمنی شان به دول غربی این است که چرا این دولتها سیاست "تغییر" رژیم را در دستور ندارند. مساله شان با

## تشدید تخاصم دو قطب تروریستی ...

ربطی به کمونیسم کارگری و منصور حکمت ندارد، سیاستهای حمید تقوایی هم کوچکترین ربطی به کمونیسم کارگری و منصور حکمت ندارد. بی جهت نیست که هر دو گرایش علیرغم تقابلهای در سیاستهایی در یک وجه کاملاً با هم مشترکند. هر دو گرایش کارشان را با "عبور از منصور حکمت" آغاز کردند. هر دو سیاست خشت خشت سیاستهای کمونیستی منصور حکمت را به کنار زده و به جای آن سیاستهای راست خود را قرار دادند.

پیشروی جنبش کمونیسم کارگری منصور حکمت در شرایط حاضر در گرو نقد قاطع این دو گرایش راست است.\*

## رضا شهابی، کارگر زندانی،

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



The basis of capitalist society is this despicable fact that a large section of it, its majority, must in order to live in a world it has been born into sell its bodily and intellectual powers to a minority. It is a society where the production of people's essentials has been tied to the profitability of capital. And this is the root of all these inequalities and deprivations. Wage labour, division of society into worker and capitalist, into wage-earner and wage-giver, degradation of work from being a productive and creative activity to a "job", to a way of earning a living, are in themselves verdicts of the bankruptcy of this system.

Workers of the World Unite!  
Long Live Socialism!  
Long Live Workers' International Solidarity!

www.wupiran.net  
Worker-Communism Unity Party- Iran

## منشور

## آزادی، برابری و رفاه

### آزادی

۱- سکولاریسم: جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهب.

۲- آزادی بیان: آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۳- آزادی تمامی زندانیان سیاسی: لغو مقوله "جرم سیاسی"، لغو مجازات اعدام، ممنوعیت شکنجه و یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم و روان افراد.

۴- آزادی پوشش: آزادی بی قید و شرط انتخاب نوع پوشش.

۵- محاکمه تمامی آمرین و عاملین جنایت توسط دادگاههای منتخب و عادلانه مردم.

### برابری

۶- برابری زن و مرد: برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو حجاب. لغو جدا سازیها و آپارتهای جنسی.

۷- برابری حقوقی: برابری کامل حقوقی همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

### رفاه

۸- حداقل دستمزد: تعیین حداقل دستمزد مکفی توسط نمایندگان تشکل های سراسری کارگری. در شرایط کنونی حداقل دستمزد باید یک میلیون تومان باشد.

۹- بیمه بیکاری: پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار و آماده به کار. پرداخت بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی.

۱۰- طب و درمان رایگان و قابل دسترس، آموزش رایگان در تمامی سطوح، تامین مسکن مناسب برای همگان: هزینه مسکن نباید از ده درصد درآمد فرد یا خانواده بیشتر باشد.

\*\*\*



## حذف سوبسیدها: یک سال پس از صدور فرمان تهاجم!

پدرام نواندیش

انقلاب علیه کل این اوضاع و سرنوشتی سرمایه داری میتواند این جنگ را متوقف کند.

### بیست و هشتم آذر ۱۳۸۹

در اینروز طرح حذف یارانه ها از سوی دولت اسلامی در ایران کلید خورد. این البته ادامه طرح تعدیل اقتصادی رفسنجانی و خصوصی سازیها و بیرون راندن کارگران کارگاههای کوچک از شمول همان قانون کار ارتجاعی بود. با این سیاست تهاجمی وسیعتر به سفره خالی کارگران شروع شد. سرمایه داران اسلامی در هماهنگی با نهادهای مالی بورژوازی از جمله بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، این یورش را سازمان دادند. پیش از آن نیز بورژوازی اسلامی و دولت وحشی آن، ماهها از پرداخت دستمزدهای ناچیز کارگران خودداری کرده و بارها تجمعهای اعتراضی کارگران و خانواده هایشان را با گلوله پاسخ داده بود. قبل از آغاز این یورش نیز، کارگران فریاد "ما گرسنه ایم" را بارها سرداده بودند. همان زمان آمار کودکان کار و خیابانی بالغ بر ۵۰۰۰۰۰/۳ هزار نفر بود، تن فروشان را آماری واقعی در دست نبود، چرا که هیچ ارگان بورژوایی به دلیل گستردگی این معضل اجتماعی جرات وارد شدن به آن را نداشت. این یورش در حالی آغاز گردید که دولت بورژوای اسلامی جنایات فراوانی را در کارنامه سیاه خود طی ۳۲ سال به ثبت رسانده بود. سرکوب هر روزه زنان، ترور و کشتار مخالفین سیاسی، کشتار گسترده زندانیان سیاسی در چند مقطع، سنگسار و قصاص اسلامی، اعدام و شکنجه مستمر، سرکوب اعتصابات کارگری و حتی شلیک

اما بورژوازی تنها در دوران جنگ فرمان قتل عام نمیدهد. در دوران "صلح" نیز جنایات بورژوازی ادامه دارد. قربانان قانون بهره کشی و استثمار در دوره صلح و رونق بورژوازی کمتر از قربانیان دوران جنگ نیست. پس از فروپاشی سرمایه داری دولتی بلوک شرق تهاجم بورژوازی در سطح جهانی به طبقه کارگر تشدید شد. بورژوازی زنجیرهای بردگی و استثمار کارگران را در همه جا و بویژه در کشورهای "آزاد شده" بلوک شرق تنگ تر کرد و دستاوردهای مبارزات طبقاتی را بویژه در این کشورها با کاهش دستمزد و افزایش ساعات کار، کاهش بیمه ها و خدمات اجتماعی و تشدید بردگی پس گرفت. در ایندوران بازار آزاد با اعمال سیاستهای ریاضت اقتصادی و جنگ خصوصی سازی جنگ دیگری را آغاز کرد که قربانیانش هم اکنون در تمام جهان بصدا در آمده اند. اگر جنگهای بورژوازی از دیگر طبقات نیز قربانی میگرفت اما سیاست اعمال فقر و ریاضت اقتصادی اساسا کارگران و بخش کم درآمد جامعه را سلاخی میکند. این بمب های نامرئی قلب طبقه کارگر و حلقه های ضعیف تر جامعه مانند کودکان کار و خیابان، کارتن خوابها، تن فروشان، و اردوی بیکاران را نشانه رفته است. اینجا دیگر آتش بسی وجود ندارد چرا که حرص و آز سرمایه داری در کسب سود بیشتر را پایانی نیست. تنها

تاریخ مبارزه طبقاتی مملو از لحظات و مقاطع تلخ بسیاری بوده که طی آن بورژوازی فرمان کشتارهای دسته جمعی بیشماری را صادر کرده که هیچگاه از خاطره بشریت زدوده نخواهد شد. آمار کشته شدگان در مقاطع مختلف بالغ بر صدها هزار نفر و گاه به چندین میلیون انسان سر میزند. اگر فقط به و آمار کشته شدگان چند دهه پایانی قرن گذشته رجوع کنیم به عمق یک جنایت سازمان یافته از سوی طبقات حاکم و دولتهای آنان خواهیم رسید. جنایات سازمان یافته ای که طبقات حاکم در دفاع از سود و مالکیت خصوصی راه انداخته اند و برای آن نه تنها دولت و قانون و پلیس و دادگاه بلکه نیروی سرکوب و تولید گسترده انواع سلاحهای مدرن را از پیش سازمان داده اند. بمب های اتمی و ناپالم و شیمیایی و انواع موشک و سلاح درست شده است تا در میدانهای جنگ "قدرت" سرمایه را به رخ کارگر و بشریت منکوب شده بکشد. بورژوازی استفاده از این سلاح ها را در جهت پاسداری از اصل "مقدس" مالکیت خصوصی و تداوم مناسبات بردگی مزدی بکار میبرد و این اواخر همین جنایات لقب "بشردوستانه" و "حقوق بشری" هم گرفته است.

اگر آمار جنایات بورژوازی و جنگهایش بطور نسبی معلوم باشد، آمار تلفات نسلی در پس این جنگها را هیچ کجا ثبت نمیکند. هنوز در هیروشیما و ناکازاکی و ویتنام و عراق و افغانستان و هر گوشه جهان مردم توان توحش بورژوازی را میدهند.

به اجتماع کارگران گرسنه در معادن کرمان، سرکوب تلاش کارگران برای تشکل از جمله در شرکت واحد و نیشکر هفت تپه، سرکوب تظاهراتهای خیابانی در سال ۱۳۸۸ بخشی از کارنامه جنایات رژیم اسلامی است.

در این میان مدافعین حقوق بشر تحت فشار افکار عمومی با صدور قطعنامه ای در شورای امنیت شان رژیم آبرویخته اسلامی را محکوم کردند. اما همین مدافعان حقوق بشر و نهادهای جهانی شان در دفاع از دولت اسلامی بدلیل یورش به طبقه کارگر و حذف سوبسیدها مدال هم دادند و برای اجرای دقیق آن راه حل هم ارائه فرمودند. دلیل این دو روئی سیاسی روشن بود. آنچه را که این جنایتکاران نتوانستند تماما در یونان و اسپانیا و ایرلند، در تونس و مصر و لیبی به اجرا بگذارند، رژیم جنایتکار اسلامی در ایران با خشونت هر چه بیشتر به اجرا گذارد.

### یکسال بعد

در یکمین سالگرد این تهاجم گسترده سران رژیم اسلامی به خود جرات داده و از اجرای فازهای دوم و سوم حذف سوبسیدها سخن میگویند و سر از پا نمی شناسند. هر کدام از این جانی ها موفقیت خود را به رخ آن دیگری می کشد. اما همزمان وحشت از خیزش کارگران و مردم محروم را در چهره شان میتوان دید. یکی شال سبز بر گردن نهاده، ضمن تایید این یورش



## حذف سوبسیدها:

### یک سال پس از صدور فرمان تهاجم ...

سبعانه، احساس خطر خود را از روند فروپاشی رژیم پنهان نساخته و خواهان تغییر در روش های تداوم سیاست حذف سوبسیدها است. دیگری از جمله وزیر اقتصاد دولت سرمایه داران در همایشی تحت این نام اعلام می کند که یک سوم درآمد حکومت طی سال گذشته از راه حذف یارانه ها بوده است. در آنسوی این درآمد اضافه بر استنمار شدید و ثروت های حاصله از آن، کارگران و اکثریت مردم محروم قرار دارند. کارگرانی که طی راه زنی بورژوازی و تشدید استثمار و گروگیری نان شب شان به فلاکت مطلق رانده شده اند تا جیب گشاد حکومتیها و سرمایه داران پرتر شود.

طی یکسال گذشته مایحتاج اولیه مردم روزانه گرانتر شد، فقر شدید و شدیدتر شد، سو تغذیه و گرسنگی به بخش لاینفک کارگران و فرزندان شان تبدیل شد، بیکاری و اخراج کارگران وسیع تر شد، و به بهای نابودی بیشتر خانواده های کارگری، احمدی نژاد قاتل در سالگرد اجرای این سیاست عنوان میکند که اجرای این قانون در ایران از سوی رژیم اسلامی موردی است که می تواند در سایر کشورها نیز اجرا شود. محمد رضا فرزین عنصر رژیم در ستاد سازماندهی این یورش اعلام میکند که مصرف گندم 36 درصد کاهش یافته است و انتظار دارد که این کاهش به اعداد بزرگتری نیز برسد. وقتی نماینده مزدور رژیم در کمیسیون اقتصادی مجلس نزدان اعلام میکند که دستگاه اجرایی توانسته است 15 هزار میلیارد تومان کسر بودجه اش را با رانت تامین کند و تازه این مبلغ به غیر از آن 60 میلیارد دلاری است که بانک

بگذارد. اوضاع حکومت اسلامی علیرغم درآمد سرشار نفت و استثمار شدید و حذف سوبسیدها وخیم است. مردم عمیقاً ناراضی اند. تحولات منطقه و اوضاع بحرانی جهانی آینده حکومت اسلامی را در هاله ای از ابهام قرار داده است. جنبش های وسیع ضد کاپیتالیستی بسرعت دیوارهای حکومت اسلامی سرمایه داران را میشکند و آنوقت است که همه دردها و رنج های و اعتراض انباشته در جامعه سرریز میکند و سونامی آن جمهوری اسلامی را مثل خس و خاشاک با خود خواهد برد. در این مسیر باندهای رنگارنگ حکومت اسلامی نخواهند توانست جلوی سقوط محتوم شان را بگیرند. \*

## کارگران کارخانه نورد و پروفیل ساوه

### 4 ماه دستمزد معوق!

200 نفر از کارگران کارخانه نورد و پروفیل ساوه 4 ماه است که دستمزدی دریافت نکرده اند. دستمزدهای مرداد، شهریور، مهر و آبان ماه کارگران تاکنون پرداخت نشده و تا چند روز آینده دستمزدهای آذر ماه کارگران نیز هم معوق خواهد شد. در طی 4 ماه گذشته بارها کارگران ناراضی و معترض در اشکال فردی و جمعی با مراجعه به عوامل کارفرما و با بیان مشکلات مالی خانواده هایشان خواستار دریافت فوری دستمزدهایشان شده اند اما همیشه سهم کارگران جوابهای سربالا و تهدید و مشتی اباطیل و دروغ بوده است.

شقایق مدیر کارخانه، چهره منفور ضد کارگری و دزد چندی پیش به تعدادی از کارگران معترض گفته است: به دور و بر خودتان نگاه کنید، با این همه محاصره و بحران اقتصادی ببینید چقدر کارخانه ها و مراکز صنعتی ورشکست شده و کارگرانشان هم از کار بیکار و اخراج شده اند، خدا را شکر کنید که فعلاً اخراج نشده و برسر کارهایتان هستید. من بیشتر از این توان مالی ندارم باید تحمل کنید. چشم امید ما به برنامه های دولت احمدی نژاد است!

یکی از کارگران میگفت: این شقایق دزد و دروغگوی بزرگی است به ما میگوید خدا را شکر کنید! خدا را شکر کنیم چون عین برده از صبح تا شب و در تعطیلات از ما کار می کشند، خدا را شکر کنیم چون 4 ماه است دستمزدهایمان را بالا کشیده اند و با این پولهای ما جناب شقایق در تهران مشغول ساخت و ساز آپارتمان و بساز و بفروش است، خدا را شکر کنیم چون اجاره خانه هایمان پس افتاده و خانواده هایمان برای نان شب محتاجند، خدا را شکر کنیم چون اگر کسی از خانواده مان مریض و بیمار شود بعلت فقر و بی پولی باید دست روی دست بگذاریم و نگاه کنیم تا خودش یا بهبود یابد یا بمیرد! البته این جناب شقایق باید خدا و اسلام و احمدی نژاد تیر خلاص زن و این حکومت را ممنون و شکر گزار باشد که برای او و امثال او به بهای مرگ و نابودی ما کارگران و خانواده هایمان بهشتی ساخته اند که هر ماهه درآمدهای میلیاردی پارو میکنند.

کارخانه نورد و پروفیل واقع در ساوه با بیش از 200 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای یکساله و دستمزدهای 300 هزار تومانی پرداخت نشده و ساعت کاری از صبح تا شب و کار اجباری در همه تعطیلات به روش اردوگاههای کار اجباری ماقبل تاریخ، تولید کننده انواع نورد و پروفیل و ورقه های آهن گالوانیزه برای مصارف صنعتی میباشد. بنا بر خبر موثق شقایق مالک و مدیر کارخانه دستمزدهای پرداخت نشده کارگران را در سطح شهر تهران برای ساخت و بساز و بفروش آپارتمان در جهت کسب سودهای بیشتر بکار میگیرد.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۸ دسامبر ۲۰۱۱ - ۲۷ آذر ۱۳۹۰

رژیم اسلامی خواهد کوشید عقب نشینی های بیشتری را بر کارگران و میلیونها انسان کارکن تحمیل کند و خود را برای اجرای فازهای دیگر حذف یارانه ها آماده میکند. اما یک سال پس از تهاجم سرمایه داران و حکومتشان، اوضاع ایران و منطقه و جهان بشدت بحرانی است و همین وضعیت است که اختلاف برسر چگونگی تداوم اجرای این طرح را توضیح میدهد. شرایط برای دولتهای بورژوازی همیشه آنطور که آنها می خواهند و سناریوهای خود را تنظیم می کنند نیست. اگر احمدی نژاد تیر خلاص زن بالا پایین می پرد که اجرای این طرح می ارزید که دو دولت برای اجرای آن وقت بگذارد، این به معنای آن نخواهد بود که رژیم بتواند بدون دردسر فازهای دیگر این سیاست جنایتکارانه را به اجرا



## چاقو هیچگاه دسته خودش را نمی برد!

نگاهی به مقاله هلمت احمدیان

حسن معارفی پور

نادرست خود در این زمینه و زمینه های دیگر اصرار می ورزد.

### اما کشمکش اتحاد سوسیالیست کارگری و حزب کمونیست ایران بر سر چیست؟

در دوره هایی که هنوز انشعاب کمونیسم کارگری صورت نگرفته بود، تمام آثار تئوریک این حزب توسط کسانی نوشته شده است که در حزب کمونیست کارگری فعلی و دیگر شاخه های منشعب از آن فعالیت میکنند و باقی مانده کومه له هیچگاه حرفی برای گفتن نداشته اند. در آن دوران خط سیاسی این جریان و برنامه و اساسنامه توسط منصور حکمت تدوین و نوشته میشد. بعد از انشعاب کمونیسم کارگری سانتر این حزب نمی توانست از لحاظ تئوریک این حزب را اشباع کند در نتیجه برای سالها تئوریهای ناسیونالیستی آقای مهدی و شرکایش دیدگاه "تئوریک" کومه له بود. در آن دوران بود که در برنامه حزب کمونیست ایران تجدید نظر شد و این برنامه از رادیکالیسم لنینی تپی شد و جای دیکتاتوری پرولتاریا را دموکراسی گرفت و در بسیاری مسائل این برنامه به یک برنامه کاملا بورژوایی از جنس برنامه راه کارگر و اکثریت تبدیل شد. یکی از منتقدان هلمت احمدیان اشاره کرده بود که حزب کمونیست ایران از برنامه ای پیروی میکند که منصور حکمت به نگارش درآورده است. اما نه، ایشان اشتباه میکند. حزب کمونیست ایران دیگر از آن برنامه پیروی نمیکند و این برنامه کاملا تغییر کرده است. من هر دوی این برنامه ها را مطالعه کرده ام و اگر لازم باشد در فرصت

بهم نزدیک شوند و هر کسی که مانع این نزدیکی میشد را از سر راه خود بر می داشتند و برایش پرونده سازی می کردند. آنها جریان منتقدین کمونیست که تعدادی از رفقا و من نماینده آن بودیم را حکمتیست میخواندند و حاضر به پوشش مقالات و مصاحبه های تلویزیونی ما در نقد اتحاد سوسیالیست کارگری نبودند. در مورد هوچگری اتحاد سوسیالیست کارگری و انتساب دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب زبردست شکنجه گران جمهوری اسلامی به حزبی سیاسی - نظامی، در بسیاری از مواقع کومه له، علیرغم سکوت های موردی، موضع به شدت ریاکارانه ای اتخاذ کرد. سیاست های اتحاد سوسیالیست کارگری با تایید ضمنی یا تبلیغ از جانب کادرها و تشکیلات کومه له و سکوت رهبری، نوعی فضا سازی مسموم علیه رادیکال ترین تشکل دانشجویی ایران در سی و چند سال گذشته آغاز شد و به این شکل دست پلیس در برخورد شدیدتر به این دانشجویان باز شد.

جا دارد به سیاست نادرست حزب "حکمتیست" در زمینه داب هم اشاره کرد. حزب "حکمتیست" هم به دلیل منافع سکتی در این مقطع و به جای تلاش برای به حداقل رساندن ضرباتی که به این تشکل وارد شده است، با تبلیغات نادرست در این زمینه و تلاش برای نشان دادن اینکه اکثریت داب با آنها همسو بوده است، نوعی فشار سنگین تر بر دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب وارد می آمد. متأسفانه رهبری حزب "حکمتیست" تاکنون بر اشتباهات سیاسی و تاکتیکی در این زمینه انگلشت نگذاشته است و تاکنون بر مواضع

اسلامی را از برنامه خود کنار گذاشته و حتی هم صفی با موسوی و کروبی را در پرونده خود دارد را از هر لحاظ موثرتر از یک محفل شارلاتان مانند اتحاد سوسیالیست کارگری ارزیابی میکرد.

در دوره ای که رهبری کومه له و حزب کمونیست ایران مشغول نیرو گرفتن برای جریان اتحاد سوسیالیستی بود و مشغول کپی برداری و ترجمه و تبلیغ بحث های آذرین - مقدم بود، در دوره ای که رادیو حزب کمونیست ایران و کومه له و حتی تلویزیون بخش زیادی از برنامه های خود را به ترویج مقالات "به پیش" و "بارو" و مصاحبه با افراد این جریان یا افراد نزدیک به این جریان اختصاص داده بود، اگر هلمت احمدیان دست به نقد این چنینی میزد، توسط رهبری کومه له سرچایش نشانده میشد. در آن دوره نشریه جهان امروز مدام مشغول تبلیغ ادبیات سیاسی اتحاد سوسیالیست کارگری بود و به یک نشریه جانبی این محفل منحن تبدیل شده بود. سکوت کومه له در مورد مواضع اتحاد سوسیالیست کارگری و دفاع کومه له از پروژه ذهنی و پادروای "دانشجویان سوسیالیست" و انتشار مقالات با اسم مستعار دانشجویان سوسیالیست و غیره، در سایت های جانبی کومه له و حتی در نشریه ی جهان امروز باعث شده بود که حزب کمونیست ایران و اتحاد سوسیالیستی بیش از هر زمانی

هلمت احمدیان از اعضای رهبری حزب کمونیست ایران طی مقاله ای به بهانه برخورد به نوشته یکی از اعضای محفل "اتحاد سوسیالیست کارگری"، به جای برخورد به این جریان تاریخ پر افتخار کمونیسم کارگری را نشانه گرفته و با ادبیاتی ناسیونالیستی به منصور حکمت و گرایش کمونیسم کارگری که در سال 91 از حزب کمونیست ایران جدا شدند حمله کرده است.

هلمت احمدیان شاید بتواند با یک نقد بسیار ضعیف و "خودی" به اتحاد سوسیالیست کارگری، تلاش کند تا رابطه این جریان با کومه له بهم نخورد و خط گیری و نان به قرض دادن ادامه پیدا کند، اما اتحاد سوسیالیست کارگری دیگر حاضر به این کار نخواهد شد. چون حزب کمونیست ایران همزمان مشغول ارتباط و تشکیل "قطب چپ" و تلاش برای تشکیل جبهه کوردستانی و شرکت در کنفرانس "نه ته وه ی کورد" (ملت کورد) است. حزب کمونیست ایران با توجه به درک بورژوایی اش از مبارزه و مارکسیسم در طی بیست سال گذشته هیچگاه سعی نکرده است با یک موضع رادیکال به احزاب ناسیونالیست کرد برخورد کند. این حزب از این می ترسد که به قول لنین نکند بورژوازی برمد. از طرف دیگر سیاست های محفل آذرین - مقدم جملگی شکست خوردند. همینطور با چرخش حزب کمونیست کارگری فعلی به پوپولیسم راست، قند در دهان رهبری کومه له آب شد. رابطه با حزبی که به منصور حکمت و کمونیسم کارگری پشت پا زده و مبارزه رادیکال با جمهوری

## چاقو هیچگاه دسته خودش را نمی برد...

دیگری به آن خواهم پرداخت.

همانطور که گفته شد حزب کمونیست ایران و اتحاد سوسیالیست کارگری سالها طی یک ائتلاف اعلام نشده به سر می بردند و تلویزیون کومه له و رسانه های این جریان همواره در خدمت تبلیغ ایده های اتحاد سوسیالیست ضد کارگری بوده است. اتحاد سوسیالیست کارگری از این کانال ها برای نیرو گیری به نفع خود استفاده کرده است و ظاهرا رهبری کومه له از این عمل اتحاد سوسیالیست کارگری شدیداً عصبانی است. اما معضل رهبری کومه له اینست که نمی تواند به طور رادیکال به این جریان برخورد کند چون هر دوی آنها از او نظر فکری از یک جنس اند و به قول معروف چاقو دسته خودش را نمی برد. این باعث شده است که رهبری کومه له و آقای هلمت احمدیان نوک تیز پیکان را به سوی کمونیسم کارگری سابق و منصور حکمت بگیرد. آخر نمیشود سالها ترهات ایرج آذرین و مقدم را توسط رهبری این حزب تکرار کرد و یکروزه به منتقد سیاست های آنان تبدیل شد!

در مقاله ی هلمت احمدیان اشاره شده است که کمونیسم کارگری "هزیمت" کرده و آنها نماندند تا در اردوگاه انقلابیگری خودشان را حفظ نمایند و با ناسیونالیسم کرد "مبارزه" کنند، در نتیجه این باعث تقویت ناسیونالیسم در کومه له و کردستان عراق و قدرتیگری ناسیونالیسم شده است. این تحلیل را حضرت مهندی در هنگام جنگ خلیج کشف نمود و دیگر متحدانش همچون عمر ایلخانی زاده و دیگر ناسیونالیست های موجود در کومه له اعلام می

خود نه در بین اپوزیسیون کمونیست بلکه در بین ناسیونالیستها و طالبانی و بارزانی در در کردستان عراق بود.

باید اشاره کنیم با توجه به آثار و ادبیاتی که حزب کمونیست ایران در طول بیست سال اخیر منتشر کرده است و با مراجعه به همان آثار، منجمله برنامه جدید حزب کمونیست ایران که در سال 1376 شمسی با تجدید نظر در برنامه ی سابق صورت گرفته و با مراجعه به کنگره های حزب کمونیست ایران و کومه له بعد از سال 91، تا امروز اتفاقاً این خط ناسیونالیسم کرد و شبه سوسیال دمکراسی است که در رهبری کومه له صاحب سبک و سیاق است و چپ و کمونیست در این دوران کوچکترین نفوذی در رهبری این حزب نداشته است.

ترویج ایده های کائوتسکی و تلاش برای درست نشان دادن این ایده ها از جانب رهبری این حزب، در سایت های جانبی وابسته به این حزب نشان از متد به غایت اپورتونیستی این جریان علیه لنینیسم و کمونیسم کارگری منصور حکمت است. بی توجهی به قدرت سیاسی و مبارزه کمونیستی و تلاش برای همبستگی ملی با احزاب کرد مرتجع چه در اپوزیسیون و چه احزاب حاکم در کردستان عراق، و اعلام وفاداری به دمکراسی که به قول منصور حکمت درک بورژوایی از آزادی است، نشان از بی ربطی این جریان به مارکسیسم و طبقه کارگر است.

تلاش برای صنعتی کردن کردستان و انتقاد از جمهوری اسلامی به خاطر بی توجهی به منطقه توریست پذیر کردستان و عدم سرمایه گذاری سرمایه داران در این منطقه از آرمان های بورژوازی رانده شده از قدرت است که کومه له امروز به نمایندگی این آرمان ها در کردستان تبدیل شده و در این راستا قدم بر می دارد.

دشمنی با کمونیسم کارگری منصور حکمت و کمونیسم کارگری در

کردستان عراق و دوستی با اتحادیه میهنی و حزب زحمتکشان کردستان عراق و دیگر احزاب حاکم در این منطقه، که به دلیل رنگارنگی شان مردم آنها را "لیست سالاد" می نامیدند نشان از بی ربطی کومه له به چپ و کمونیست در کردستان عراق است.

توجه سرکوبگری و جنگ طلبی جریان عشیره ای اتحادیه میهنی و موضع به شدت ریاکارانه کومه له در مورد اعتراضات اخیر در کردستان عراق و ایستادن در کنار اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان ملا مصطفی بارزانی نشان از اوج راست روی کومه له است.

### جایگاه پراتیک نزد کومه له

نزد کومه له پراتیک یعنی کار سخت طاقت فرسای تشکیلاتی بدون توجه به جایگاه این کار. کسانی که در اردوگاه کومه له شدیداً مشغول خود بوده و مطالعه و آموزش مارکسیسم را خرده بورژوایی و روشنفکری قلمداد می کردند، در رهبری کومه له قرار می گرفتند و به عنوان رهبر پرستش می شدند. این سنت پوسیده ناسیونالیسم کرد است که انقلابی گری را در جنب و جوش تشکیلاتی آن هم نه جنب و جوش سیاسی و فعالیت در بین کارگران در محیط کار، بلکه جنب و جوش در مورد فعالیت های روتین تشکیلاتی و نظامیگری مفرط بدون در نظر داشتن تناسب قوا و آمادگی شرایط جامعه برای دست بردن به عملیات نظامی یا مسلحانه میبیند. این تحلیل های مضحک ناسیونالیستی البته در دنیای واقعی پوچ است. کومه له حتی حق ندارد آنطرف مرز برود تا چه رسد به عملیات نظامی. ارزش مصرف تحلیل ناسیونالیستی برای حمله به کمونیسم و تعریف اشتراک با ناسیونالیستها است.

به نظر من

## چاقو هیچگاه دسته خودش را نمی برد...

که اساسا نشان از توهم به کومه له یا نزدیکی این جریانات به کومه له است. این جریان به طور واقعی پتانسیل جذب و پرورش هر نیرویی به جز نیروی کمونیست را در خود دارد و بویژه نسبت به نیروی کمونیست کارگری از ناسیونالیستها بیشتر آلرژی دارد. به همین خاطر توصیه من به این دوستان این است که این توهمات را کنار گذاشته و به کومه له نه به عنوان یک نیروی کمونیست بلکه به مثابه یک جریان ناسیونالیست چپ بنگرید. جریانی که به در درجه که علیه کمونیسم کارگری است به همان درجه از ناسیونالیسم تمجید میکند. تمجید اینها از عشیره های اتحادیه میهنی و بارزانی و زبان "انقلابی" شان علیه کمونیسم کارگری، نشان میدهد لنگر سیاسی شان را کجا انداخته اند.

آقای احمدیان، پز کمونیستی گرفتن شما فایده اش این بود که اگر دیروز با عبارات ایرج آذرین حرف میزدید و علیه کمونیسم کارگری میگفتید، امروز همان کار را با عبارات عبدالله مهدی میکنید.\*

### کارگران شرکت مشاورین شهر یاد

#### 4 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، بیش از 30 نفر از کارگران شرکت مشاورین شهر یاد دستمزدها و مبالغ اضافه کاری 4 ماهه مرداد، شهریور و مهر و آبان را دریافت نکرده اند. در مراجعاتی که تعدادی از کارگران در بیست و ششم آذر ماه با خلیلی مدیر شرکت داشته و طی آن درخواست دریافت دستمزدهای معوقشان را داشته اند، خلیلی گفته است: برای این 4 ماه گذشته که پولی ندارم هیچ بی جهت به امید دستمزدهای آذر ماه هم نباشید. خبری از پول و پرداخت دستمزد نیست، پولهای پروژه هایی را که از 2 سال پیش برای دولت تمام کرده ایم را نمیدهند چه رسد به دستمزد شماها. هر چاره ای که بنظرتان بهتر است همان کار را انجام دهید.

در ازای 4 ماه کار و استنثار وحشیانه و شبانه روزی، حالا کارگران گرسنه و سرگردان مابین سرمایه داران و حکومت فاسد اسلامی پاس کاری شده و آنها را در این جهنم بیکاری و فقر و گرانی با جوابهای سربالا و نامربوط به دنبال نخود سیاه حواله میدهند.

شرکت مشاورین شهر یاد با بیش از 30 نفر کارگر قراردادی و حتی تعدادی بدون قرارداد با دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر، مجری طرا حی و مهندسی پروژه های بزرگ ساختمانی در سطح شهر تهران است. دفتر شرکت در خیابان تهران نو، تهران واقع میباشد.

#### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۱ دسامبر ۲۰۱۱ - ۳۰ آذر ۱۳۹۰

در ژانویه ۲۰۱۲ منتشر میشود:

## ”آزیتاتور - سازمانده“

کمونیسم کارگری

نشریه ای از تشکیلات داخل حزب اتحاد کمونیسم کارگری

این شکل لنین را محکوم به تندروی سیاسی می کنند و اعلام می کنند که مارکسیست هستند و به نظریات لنین وفادارند! اما باید اشاره کنم که این جریان را نباید به هیچ وجه مارکسیست خواند و این پوئن را به این جریان داد. این حزب اساسا در بستر جنبش ناسیونالیستی کار میکند، فوجش جناح چپ آنست.

در اینجا من به مواضع اتحاد سوسیالیست کارگری کمتر اشاره کرده ام زیرا معتقدم که مواضع اتحاد سوسیالیست کارگری و کومه له علیرغم اختلافات جزئی که ممکن است موجود باشد از لحاظ سیاسی و جایگاه طبقاتی در یک بستر قرار دارند. در زمینه اتحاد سوسیالیست کارگری شما را به خواندن مقاله "متدولوژی رفرمیستی زیر نام سوسیالیسم کارگری" در وبلاگ شخصی ام دعوت میکنم.

جا دارد در اینجا به مقالاتی که در نقد مقاله هلمت احمدیان منتشر شده و متدی که بیشتر این دوستان به کار بردند اشاره کنم. متاسفانه در بین برخی از رفقای صفوف کمونیسم کارگری هنوز این توهم وجود دارد که میتوان با فشار و تعارف کومه له را چپ کرد یا تحت منگنه گذاشت تا چپ بماند. برخی از این رفقا در این مقالات به یک سری مسائل واقعی و درست اشاره می کنند و روی یک سری مسائل به درست انگشت می گذارند. اما زمانی که به نتیجه گیری میرسند یک سری انتظارات بیجا از رهبری کومه له دارند

مباحثی که کمونیسم کارگری در آن دوران مطرح نمود از هر لحاظ مارکسیستی و اصولی و بجا بود. بحث های تئوریک و سیاسی کمونیسم کارگری که توسط منصور حکمت ارائه شد، منابع غنی و تئوریک مارکسیستی هستند که دفاع از آنها وظیفه هر کمونیستی است. تا به کومه له و آینده اش مربوط میشود، بحث گرایشات و سرنوشت آنها امروز از روز روشن تر است و تکرار اراجیف ناسیونالیستی بیست سال پیش مهدی دیگر زیادی نخ نما است. شما دارید به روش خودتان میگوئید روی خط عبدالله مهدی قوم پرست رفته اید و راهی را ادامه میدید که او آغاز کرد.

در مورد حزب و قدرت سیاسی من تنها به این نکته اشاره می کنم که حزبی که به فکر قدرت سیاسی نباشد و بخواهد از طریق اکثریت به قدرت برسد نمی تواند حزب کمونیستی باشد و تاریخ انترناسیونال اول و دوم و تاریخ بلشویسم این را به روشنی نشان می دهد که کمونیست های پراتیک همواره تلاش داشته اند از طریق تاکتیک و استراتژی انقلابی اکثریت را با خود همراه کنند نه در فکر بسیج اکثریت مردم و تلاش برای اقلان آنها به دمکراسی و پارلمان باشند. این تنها کمونیست های سابق و بورژواهای جدید هستند که زیر نام تلاش برای جذب اکثریت طبقه کارگر نتیجه گیریهای بورژوایی میکنند و به دامان بورژوازی می خزند. بی جهت نیست که رهبری این حزب در جلسات آموزشی اعلام میکرد که اگر لنین بیشتر دقت می کرد قدرت را نمی گرفت و با بورژوازی تا مرحله ی بهتری سازش می کرد. آنها به

## کارگران شرکت ساز آب اندیش ایلام و کرمانشاه

5 ماه دستمزد معوق!

مجری بخشی از پروژه‌های تصفیه خانه ها و آب و فاضلاب کرمانشاه و ایلام میباشد. بیش از 120 نفر از کارگران در کرمانشاه و ایلام مستقرند و 40 نفر مابقی کارگران در دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان اطاعتی بلوار مرزداران تهران مشغول به کارند. درآمدهای میلیاردی "پیش رفتی" مدیر و مالک شرکت، بیا و کیا و زندگی آنجانی بالای شهر تهرانش و مسافرت‌های تفریحی خارج از کشورش به بهای استثمار وحشیانه کارگران و نپرداختن دستمزدهای ناچیز و نابودی خانواده های کارگران در قعر فقر و بدبختی هموار میشود.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۱ دسامبر ۲۰۱۱ - ۳۰ آذر ۱۳۹۰

## کارگران صنایع غذایی گدوک فیروز کوه

2 ماه دستمزد معوق!

45 نفر از کارگران صنایع غذایی فیروز کوه دستمزدها و مبالغ اضافه کاری مربوط به 2 ماه گذشته مهر و آبان را دریافت نکرده اند. هم اکنون 26 روز از پایان آبانماه میگذرد. عوامل کارفرما اعلام داشته اند با اینکه به پایان آذر ماه هم نزدیک میشویم حتی پولی برای پرداخت دستمزدهای آذر ماه هم نداریم. با توجه به کارشکنی و خودداری کارفرما نسبت به پرداخت دستمزدها، تا چند روز آینده دستمزدهای معوق کارگران به 3 ماه خواهد رسید. علیرغم عدم پرداخت دستمزدها و با وجود همه دروغگویی و مظلوم نمایی حسینی مالک و مدیر کارخانه مبنی بر بی پولی و ورشکستگی مالی، شیفت کاری کارخانه برقرار و محصولات تولیدی نیز بطور مرتب به بازار عرضه میشود. بهانه ورشکستگی و بی پولی و بحران مالی بعلاوه تهدید و وعده های دروغین امروز فردا البته حربه ریاکارانه حسینی برای کسب سودهای بیشتر و چپاول دسترنج ناچیز کارگران است.

یکی از کارگران میگفت: هر روز اول صبح کامیونها محصولات کارخانه را مرتباً بارگیری نموده و به بازار میبرند. اگر ادامه کار کارخانه برای حسینی سودی ندارد، اگر حسینی دچار بی پولی و ورشکستگی و مزخرفاتی از این دست شده پس این همه محصولات تولید شده به دست ما کارگران هر روز اول صبح توسط کامیونهایی که در اینجا در مقابل چشمان ما و توسط خود ما بارگیری میشود به کدام جهنم میرود؟ هیچ گریه ای برای رضای خدا موش نمیگیرد! اگر این کارخانه و این سیستم تولیدی برای حسینی و شرکایش سودی نداشت خیلی پیش از اینها درش را تخته کرده بودند! هدف آقایان با هزار و یک بهانه من در آوردی فقط اینست که دستمزدهای ما کارگران را بالا بکشند. نه وجدان دارند، نه بویی از انسانیت برده اند. دستشان توی دست حکومت جنایتکار اسلامیست و ما کارگران و خانواده هایمان را با این همه فقر و فلاکت و گرانی و محرومیت و گرسنگی به خاک سیاه نشانده اند.

کارخانه صنایع غذایی گدوک فیروز کوه واقع در فیروز کوه با بیش از 45 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای از 3 ماه تا یکسال و ساعت کاری از 7 صبح تا شب و اضافه کاری اجباری در همه ایام تعطیلات و دستمزدهای 300 هزار تومانی پرداخت نشده تولید کننده انواع محصولات لبنی میباشد.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۸ دسامبر ۲۰۱۱ - ۲۷ آذر ۱۳۹۰

بنا به خبر دریافتی، تا امروز بیست و هشتم آذر ماه بیشتر از 120 نفر از کارگران شرکت ساز آب اندیش مستقر در پروژه های تصفیه و آب و فاضلاب شهرهای ایلام و کرمانشاه، به دلیل کارشکنی و طفره کارفرما دستمزدهای 5 ماه گذشته مرداد، شهریور، مهر، آبان و آذر را دریافت ننموده اند. کار هر روزه کارگران از صبح تا شب و انجام اضافه کاری تحت اجبار و فشار و تحقیر کارفرما در همه روزهای تعطیل برقرار است اما خبری از دستمزدهای کارگران نیست که نیست. در 5 ماه گذشته کارگران در اشکال مختلف بطور فردی و جمعی خواهان دریافت دستمزدهایشان شده اند اما هر روز و هر بار با ترفند و شگرد جدیدی و وعده های سرخرمن از جانب کارفرما روبرو شده اند.

یکی از کارگران پروژه کرمانشاه میگفت: ببخشید، اینها اصلا ما و خانواده هایمان را به آدم حساب نمیکند. اصلا برایشان مطرح نیست که ما هم انسانیم و خانواده و فرزندان ما هم نیاز و احتیاجات و حق و حقوقی داریم. من و امثال من در این شهرهای کرمانشاه و ایلام اگر پول و پله ای داشتیم و اگر در این روزگار سگی آخوندی کاری از دستمان بر می آمد که اسیر و برده این یارو پیش رفتی (مدیر شرکت ساز آب اندیش) نمیشدیم. در مناطق زندگی ما آمار فقر و بیکاری بسیار بالاست، نه کاری هست، نه در آمدی و نه امکانی برای زندگی، هرچه هست بیکاری و رنج و فقر و بیماری و بدبختی است. در اینجا به دلیل فقر و بیکاری زیاد، اعتیاد و تن فروشی و کلیه فروشی و هزار مصیبت و نابسامانی دیگر که همه اش زیر سر این حکومت و سرمایه دارهاست، نقل زندگی خانواده های ما کارگران است. 5 ماه دستمزد کارگر را نداده اند و اگر کارگر بیاید و بگوید پولم و دستمزد چه شد، خانواده ام گرسنه اند و نان شب ندارند، با تحقیر و تهدید سرمایه داران و توسل به سرکوب پاسدارها و بسیجی هایش بیایند بگیرند و ببرندش اطلاعات و زندان دیزل آباد. آخر سر هم سر به نیستش کنند؟! هر روز تا شب برایشان جان می کنم دستمزد را نمیدهند. از ترس اخراج و بیکاری و فقر بیشتر با این بیشرها مدارا می کنیم اما اصلا خبری از دستمزد و پول نیست. در محله کارگری و فقیرنشین دولت آباد کرمانشاه به همراه زن و دو فرزندم دو اتاق محقر و نامناسب و بدون هیچ امکانات بهداشتی و لازم حتی بدون حمام در ازای 5 میلیون تومان پیش و ماهی 200 هزار تومان اجاره کرده ام. به ناچار با 30 تا 40 هزار تومان سرمایه! مقداری جوراب و زیرپوش و آت و آشغال از سه راه نواب خریده ام و برای زنده ماندن خودم و خانواده ام، برای یک لقمه نان شرافتمندانه هر شب در میدان آزادی و بازار کاشی کارهای کرمانشاه بساط می کنم. در اینجا هم سایه سیاه حکومت مشتی دزد و اوباش اسلامی روی سرمان است. ماموران شهرداری حکومت به جرم سد معبر! حمله می کنند و تا به حال چندین بار بعد از کتک کاری و تحقیر کشتان کشتان همان سرمایه سی 40 هزار تومانی اندک و چند جفت جوراب و زیر پوش و بساطمان را هم دزدیده و با خود برده اند. آخر شب هم کتک خورده و با جیب خالی به خانه آمده ام. این سرگذشت و سرنوشت تلخ من و همه ما کارگران و خانواده هایمان در حاکمیت فساد و جنایت اسلامی است.

شرکت ساز آب اندیش با بیش از 160 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای 3 ماهه و دستمزدهای 300 هزار تومانی پرداخت نشده و ساعت کاری اجباری از صبح تا شب و کار در تعطیلات هم اکنون

گزارشی از هلند،

## آکسیون در دفاع از رضا شهابی دنبوش هلند!

روز جمعه ۱۶ دسامبر به فراخوان نیروهای چپ در شهر هلند میز اطلاعاتی برای اعتراض به شرایط وخیم رضا شهابی فعال کارگری زندانی و عضو سندیکای شرکت واحد تهران از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر برگزار شد. صدها اطلاعیه به زبان فارسی و انگلیسی و هلندی در رابطه با وضعیت رضا شهابی و حال وخیم جسمانی و شقاوت و بیرحمی رژیم آدمکش اسلامی در برخورد به نیروهای آزادیخواه و برابری طلب و فعالان کارگری در اختیار مخاطبین گذاشته شد. عکس های رضا و فعالین کارگری زندانی آذین بخش میدان کرک استرات شهر دنبوش در غرب هلند شد.

در زیر باران شدید شهروندان دنبوش جلو می آمدند و با نشان دادن عکس اعدام شدگان و قربانیان جمهوری اسلامی از ما در رابطه با سرگذشتشان می پرسیدند. از رضا شهابی و خانواده اش می پرسیدند و در گوشه کنار در رابطه با آینده سیاسی ایران بحث می کردند. دختر خانم دانشجویی میگفت حتی تصورمسائلی که شما تعریف میکنید هم برای من غیر ممکن است. کاش همه اینها فقط یک کابوس بود و تمام می شد!

جواب ما این بود که برای تمام شدن این کابوس فقط یک راه وجود دارد و آن این است که جبهه سوم مردم مدرن و مترقی دنیا که خود شما یکی از آنها هستی به میدان بیایند!

امروزبیش از هر روزی مردم دنیا باید بدانند که در جهنم اسلامی چه بر سر کارگر و زن و جوان و دانشجو و نیروهای چپ و رادیکال می رود. شر این قرون وسطای اسلامی را باید از سر جامعه ایران کم کرد. رضا شهابی و تمام فعالین کارگری و سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم!



## جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

## بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر"

## سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

## نه به اعدام!

آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلد سردهیم؛ همان جلدی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟

کارل مارکس

# زنده باد شوراها

## ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

مصوب دفتر سیاسی حزب

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخساز قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزیز کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بپاخواسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراها، در سراسر جامعه است.

۲- یک هدف شوراها گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراها همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراها را سازمان داد.

۳- شورا کاراترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های مردم است و باید جایگزین قدرت ارتجاع اسلامی شود.

۴- طبقه کارگر باید بسرعت شوراهای خود را ایجاد کند. شوراها امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراها امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراها در محیط زیست و کار باشند.

۵- شوراهای محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراها فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

## یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بی شمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

## ستون آخر،

## دهمین سالگرد درگذشت منصور حکمت فرا می رسد!

بیاد ژوبین عزیز

آذر ماجدی



دست دادنش گرامی بداریم. تا باهم بیاد بیاوریم که چه جایگاه با ارزش و رفیعی در زندگیمان داشت؛ بیاد بیاوریم که چگونه بدون او با زندگی دست و پنجه نرم کردیم؛ بیاد بیاوریم که چگونه جای خالیش را در پس هر خبر جنگ و بحران، خیزش و شورش، استیصال و امید عمیقاً احساس کردیم.

بیایید با هم یادش را در دهمین سالگرد درگذشتش گرامی بداریم.

روز شنبه ۷ ژوئیه ۲۰۱۲ ساعت ۱۲ در هایگیت گرد می آنیم. این روز را به یک روز فراموش نشدنی و با شکوه بدل کنیم. \*

مقابلم قرار گرفت. مدتهای بیشتر زمان لازم بود تا این واقعیت را درونی کنم. راستش هنوز لحظاتی هست که دچار ناباوری می شوم. فکر می کنم که همه چی فقط یک کابوس بوده است. گویی قلب و ذهنم با حقیقت در حال جنگند. مدتها بطول انجامید تا دریابم که در آن شب نه عمق کابوس و نه عمق این تنهایی و جای خالی را بمعنای واقعی کلمه احساس نکرده بودم. طی این سالها هر روز با این کابوس هولناک زندگی کرده ام. هر روز جای خالیش را در گوشه و کنار زندگی، در قلبم، در ذهنم، و در هر حرکت کوچک و بزرگ، از نو و هر روز عمیق تر از روز پیش احساس کرده ام.

و اکنون می رویم که یاد عزیزش را در دهمین سالگرد از

روزمان، و در مبارزه برای برابری و آزادی احساس خواهیم کرد". در آن لحظات که این کلمات را می نوشتم، یک احساس گنگ و مبهم آنها را بمن دیکته می کرد. در گجی و بهت بسر می بردم. در آن لحظه واقعیت و خواب در هم تنیده بود. می دانستم که چنین خواهد شد، اما هنوز نیستی او را درک نکرده بودم. هنوز کابوس بیشتر حالت خواب داشت تا واقعیت. احساس واقعی و اندیشه مجرد همچون دو دنیای جدا از هم در درونم با یکدیگر در تنش و جدال بودند. گویی روی یک ابر حرکت می کردم.

مدتها طول کشید تا مرگ ژوبین به شکل یک واقعیت تغییرناپذیر و جان سخت در

۴ ژوئیه ۲۰۱۲ دهمین سالگرد درگذشت منصور حکمت (ژوبین رازانی) است. یک دهه از مرگ این انسان بزرگ، تنوریسین مارکسیست برجسته و لیدر فکری - سیاسی جنبش کمونیسم کارگری می گذرد. طی این دهه پر تلاطم و پر نشیب و فراز چه در عرصه سیاست ایران و چه در عرصه سیاست بین المللی، بارها و بارها از نزدیک جای خالی او را در تمام ابعاد فعالیت سیاسی- کمونیستی خویش احساس کرده ایم.

۴ ژوئیه ۲۰۰۲ شب که از بیمارستان برگشتم، نوشتم: "کابوس هولناک بوقوع پیوست." نوشتم "جای خالیش را همیشه در کنارمان، در قلب هایمان، در زندگی هر

## آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)



سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!